



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۳۱ تیر ۱۳۹۰
۲۲ ژوئیه ۲۰۱۱

آذر مدرسی

انتخابات و صفندی

جدید بورژوازی

جدال بالائی ها ربطی به مردم ندارد

با نزدیک شدن انتخابات مجلس صفندی های جدیدی در میان جناحهای جمهوری اسلامی شکل گرفته است. اتحادهای سابق جای خود را به شکافهای جدید داده است. شکاف، اختلاف و کشمکش در درون اصولگرایان تشدید شده و هر روز ابعاد وسیعتری به خود میگیرد. فشار طرفداران بیت امام بر احمدی نژاد و طرفدارانش دامنه گسترده تری به خود گرفته است. از طرف دیگر افشاگری احمدی نژاد از فساد مالی سپاه پاسداران، اعلام آمادگی همکاری با دولت آرژانتین برای تحقیق در مسئله بمبگذاری سال ۹۴ با علم به اینکه رفسنجانی، محسن رضائی، در لیست متهمین هستند، نشان از حد شدن این کشمکش دارد. جنگ اینبار بیش از همیشه بر سر تغییر آرایش و بالانس قدرت میان بخشهای مختلف بورژوازی در قدرت، سهم کردن یا نکردن بخشهای دیگر بورژوازی در قدرت و بالاخره بیرون بردن جمهوری اسلامی از موقعیت ناپسندان کنونی است. بدست آوردن اکثریت در مجلس بخشی جدی از این جدال است.

صفحه ۲

حزب حکمتیست و مبارزات جاری طبقه کارگر

(مصوب پلنوم بیست و یکم حزب حکمتیست)

برای بهبود شرایط کار و معیشت خود، بویژه در مهمترین مراکز صنعتی که جدال در آنها یکی از مهمترین عرصه های رویارویی طبقه کارگر ایران، با کارفرما و دولت است.

۲- حمایت و کمک به سازماندهی جنبش مجمع عمومی در دل مبارزات جاری طبقه کارگر، متکی کردن تشکل های کارگری موجود به مجمع عمومی روتین و منظم، بعنوان ابزار طبیعی اعتراض متشکل و ابزار دخالت مستقیم توده کارگران. امری که حضور و دخالت دائمی توده هرچه وسیع تر کارگران را تضمین و تامین میکند.

۳- حمایت قاطع و کمک به ایجاد تشکل های توده ای کارگران اعم از

صفحه ۳

کارگران و در همه محیط های کار، ممکن نیست.

حزب حکمتیست رفع موانع اتحاد در میان کارگران، و ایجاد همبستگی طبقاتی در میان فعالین و رهبران کارگری در محیط های کار و زندگی، را هدف خود قرار میدهد. بر این اساس حزب حکمتیست جهت گیری زیر را در قبال مبارزات جاری طبقه کارگراعلام میکند و فعالین، اعضا، و دستداران خود را به اتخاذ آن فرامیخواند.

۱- دخالت فعال در سازماندهی و به پیروزی رساندن مبارزات جاری طبقه کارگر، حمایت از مطالبات همه کارگران

مقدمه:
جنبش طبقه کارگر ایران با مصافهای تعیین کننده روبرو است. مبارزات و اعتصابات جاری طبقه کارگر، هرچند پراکنده، اولین سنگربندی طبقاتی در مقابل تعرض مستمر بورژوازی به سطح معیشت و زندگی طبقه کارگر است.

اتحاد محکم و گسترده حول عاجلترین مطالبات اقتصادی و سیاسی، و شکل گیری تشکلهای توده ای کارگری از گامهای تعیین کننده پیشروی طبقه کارگر است. سازماندهی مبارزات جاری کارگران و به پیروزی رساندن آن، بدون شکستن سد تفرقه و پراکندگی در میان

اسد گلچینی

جدالها رو در رو میشود، طبقه کارگر باید به پیشواز آن برود در باره اصلاحیه قانون کار



باشد و این در حالی است که حتی اگر "اصلاحاتی" هم صورت نگیرد همین قانون کار فعلی توانسته است شرایط تامین سود و استثمار کارگر را برای طبقه سرمایه دار و دولت و دستگاه هایش تامین کند، همانطور که تا هم اکنون کرده است.

از سوی دیگر طبقه کارگر بعنوان طرف حساب این قانون هیچگاه نه این قانون را قبول داشته و نه توانسته است طرف اصلی برای تحمیل تغییراتی به نفع خود در قانون بشود. نه طبقه کارگر سازمان، تشکیلات مناسب خود برای تحمیل خواسته های خود در تغییر قانون کار و اعمال قدرت خود را داشته

صفحه ۴

مجلس و تشکیلات های دیگرش را بسیج میکند تا به این هدف برسد. دولت و مجلس و ارگانهایی که مجری و مدافع قانون کار تاکنونی بوده اند بر سر این تغییرات در کشمکش هستند. ماهیت این اختلاف مربوط به منفعت کارگر نیست. اختلاف بر سر چگونگی استثمار کارگران، حفظ بی حقوقی مطلق و تامین منفعت جناحهای مختلف بورژوازی می

قانون کار فعلی از نظر منافع طبقه سرمایه دار هنوز ناکافی است. طبقه سرمایه دار میخواهد شرایط بمراتب نابرابرتری را به طبقه کارگر تحمیل کند و تغییرات باز هم مهمتری باید ممکن شود و این روندی است که تا زمانی که طبقه کارگر بتواند بر آن ترمز بزند، ادامه خواهد داشت. این نیاز بورژوازی در ایران است و همه امکانات از دولت تا

یورش جمهوری اسلامی

به مردم مناطق مرزی کردستان

عراق قویا محکوم است.

جمهوری اسلامی بعد از به توپ بستن مناطق مسکونی مرزی کردستان عراق و وارد کردن خسارات فراوان و آواره کردن ساکنین این مناطق، سرانجام به بهانه تعقیب واحدهای نظامی پژاک، نیروی زمینی سپاه پاسداران خود را به این مناطق گسیل داشته، جنگ و شرایط جنگی را بر مردم مناطق مرزی تحمیل کرده است.

طبق گزارشهای رسیده واحدهای زرهی و توپخانه ای و همچنین نیروی زمینی سپاه پاسداران که از مدتی قبل در مناطق مرزی پیرانشهر و اشنویه و سردشت و مریوان مسفر شده بودند، از چند روز قبل وارد مناطق مرزی کردستان عراق همجوار با این شهرها شده اند. طبق اخبار

نیروهای دیگری از سپاه پاسداران جمهوری اسلامی از کرمانشاه نیز به این مناطق گسیل شده و اخبار رسیده حاکی از سرازیر شدن بیشتر مزدوران جمهوری اسلامی به مناطق مرزی کردستان عراق است. تاکنون درگیریهایی بین نیروهای نظامی جمهوری اسلامی و واحدهای نظامی پژاک روی داده است.

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی به بهانه وجود پایگاههای نظامی پژاک مناطق مسکونی مرزی کردستان عراق را گلوله باران کرده و به راکت و خمپاره می بندد و محیط کار و زندگی مردم را تماما ناامن میکند. جمهوری اسلامی هر بار و به بهانه ای در پی قلدری خود در منطقه و افزایش نفوذ خود در معادلات کشور عراق به این اعمال وحشیانه اقدام کرده است. یورش اخیر سپاه پاسداران جمهوری اسلامی هم در ادامه این سیاست است که این باز نیز مردم با آوارگی و تحمل خسارات جانی و مالی باید توان آن را پس بدهند. جمهوری اسلامی با این کار تنها تنفر و انزجار مردم آزادیخواه

حزب حکمتیست همچنین مردم کردستان عراق و بویژه ساکنین روستاهای مرزی را به اعتراض، علیه یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به محل کار و زندگی خود، فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۸ تیرماه ۱۳۹۰ - ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

انتخابات و صفبندی جدید

برای هر دو جناح تعیین تکلیف بالانس قدرت میان مجلس و دولت احمدی نژاد در دو سال ادامه حیات اش است. دو سال دیگر احمدی نژاد و طرفدارانش و جناح بیت امام باید در قالب دولت و مجلس با هم حکومت کنند. برای طرفداران بیت امام بدست آوردن اکثریت در مجلس و کنترل دولت احمدی نژاد از این طریق هدف است. متقابلاً برای جناح احمدی نژاد بدست آوردن اکثریت در مجلس امکانی برای کوتاه کردن دست ولی فقیه و حامیانش و آزاد کردن دولت از کنترل دستگاه مذهبی و امکان پیشبرد برنامه های سیاسی و اقتصادی خود است. در عین حال برتری هریک بر دیگری، پیش زمینه ای برای موفقیت هر یک در انتخابات رئیس جمهوری دو سال آینده خواهد بود. از اینرو از هم اکنون مبارزه انتخاباتی میان این دو جناح با شدت خاصی شروع شده است. جناح بیت امام "کمیته وحدت اصولگرایان" را باهدف تعیین استراتژی خود در انتخابات تشکیل میدهد. از طرف دیگر ۵۲ مدیر دولتی طرفدار احمدی نژاد، با هدف کاندید شدن برای نمایندگی مجلس نهم، از مسئولیتهای خود استعفا میدهند.

پیش بینی اینکه سرانجام صف بندیهای این دو جناح به کجا میرسد، هنوز زودرس است. حمله ها و عقب نشینی ها، پارگیری ها و خط و نشان کشیدن ها، کماکان ادامه دارد. همه چیز حکایت از تداوم این زور آزمایی و تعیین تکلیف نشدن این جدال دارد. جدالی که هر دو جریان اذعان دارند که نباید به موقعیت جمهوری اسلامی در مقابل توده مردم منتفر از کلیت این رژیم، خدشه ای وارد کند. هر دو توافق دارند که امکان کوچکترین عرض اندامی به این آتش زیر خاکستر ندهد.

هر دو جناح به روشنی میدانند افول جنبش سبز، نا امیدی مردم از سبز، نه فقط نشان خاکسپاری نفرت و خواست سرنگونی رژیم نیست، برعکس مردمی که یکبار دیگر به جدال جناح های درونی جمهوری اسلامی امید بسته بودند از این تجربه درس گرفته اند. درس پیشبرد مبارزه مستقل و با اتکا به قدرت و تشکل خود. جدال سبز و سیاه در دوره گذشته و بیگانگی و ضدیت هر دو با خواستهای رادیکال بخشهای

مختلف مردم، و ماهیت ارتجاعی جریانات بورژوازی را بیش از پیش برای مردم و بویژه طبقه کارگر روشن کرد. جمهوری اسلامی به خوبی میداند که امروز با درس گیری از تجارب جنبش سبز و دوخرداد، سرها به طرف آلترناتیو چپ، آلترناتیو رادیکال و راه حل سرنگونی انقلابی همه شان، برخواهد گشت. طرفین جدال در اینکه نباید در این میان امکانی به مردم داد، تردیدی ندارند.

بازیگران اصلی این جدال، دو بخش اصولگرایان اند. بورژوازی ایران و دول غربی بیش از هر جریانی این دو بخش، یعنی دو بخش اصولگرایان، را بعنوان طرف حساب خود تحت نظر دارند. نه صرفاً به این دلیل که در حاکمیت اند. بلکه و اساساً به این دلیل که این دو بخش یک جناح، نماینده "منافع واقعی" طیف های مختلف بورژوازی ایران اند. سبز، اصلاح طلبان و خیل طرفداران غیر حکومتی و "اپوزیسیون" آنها، اساساً در شکاف این دو بخش است که امکان ایفای نقش را دارند.

موقعیت جنبش سبز، و کل اپوزیسیون سبز شده از راست تا چپ آن، در این شرایط رفت آور و اسفبار است. پروسه تجزیه در صفوف سبز، مدتهاست آغاز شده است. به میدان آمدن احمدی نژاد، بعنوان مخالف جدی و در قدرت ولایت فقیه، این جنبش را با بحران هویتی جدی روبرو و پروسه تجزیه این جنبش را تسریع کرده است.

با شروع جدال انتخاباتی، هر یک از دو بخش اصولگرایان تلاش میکنند طیفی از این لشکر سرگردان، بی رهبر و بحران زده را به خود جلب کنند. طیفی از سبز در داخل و خارج، تلاش میکنند حول مطالباتی خود را متحد کنند. وعده "عدم حذف کامل اصلاح طلبان" برای داغ نگاه داشتن تنور انتخابات، این صف را مجدداً به میدان آورده است و مسئله شرکت یا عدم شرکت "اصطلاح طلبان" در انتخابات، را در مقابل بخشی از سبز قرار داده است. گنجی یکی از استرژیست های اصلاح طلبان، هشدار میدهد که نباید به بازیچه دست ولی فقیه تبدیل شد، و به این انتخابات مشروعیت داد. خاتمی سمبل نوسان و سانت در جنبش "اصلاح طلبان"، به روال همیشگی

قدمی به امام نزدیک میشود و پس از نقد هم جنبشی هایش "موضعی رادیکال" و سبز پسند میگیرد. این "قهرمان" و "پهلوان پنبه" اصلاح طلبی، که بطور دائم از طرف صفوف خود مورد حمله قرار میگیرد، مسئله رفع حصر سران سبز را بعنوان "آزادی انتخابات" و شرط شرکت در انتخابات طرح کرده است.

رفسنجانی یکبار دیگر امکان پیدا کرده است تا نقش متحد کننده خود را ایفا کند و برای نزدیک کردن "اصلاح طلبان معتدل" و "اصولگرایان" حول مقام رهبری، تلاش کند. بخش ناراضی تر سبز، که به کسب چند کرسی در مجلس قانع نیست، مسئله "انتخابات آزاد" یا "تحریم انتخابات" را طرح میکنند. جریانی که تا امروز اعتراضی به مضحکه های انتخابات در جمهوری اسلامی نداشته، امروزه به یاد آزادی انتخابات افتاده و اعلام میکند انتخابات غیر آزاد مشروعیتی ندارد. جریانی که در اختناق سیاسی و سرکوب سی سال گذشته و در قدرت سهیم بوده، امروز یکباره به یاد آزادی انتخابات افتاده است. جریانی که شکست در انتخابات رئیس جمهوری امکان ابراز وجود بعنوان "اپوزیسیون" را به آن داد، امروز وقیحانه پرچم دروغین "آزادی و انتخابات آزاد" را بلند میکند. و رئیس جمهوری منتخب غیر آزاد ترین انتخابات ها، امروز قهرمان "آزادی انتخابات" میشود. و وقیحانه نام امکان شرکت خود و مشتکی "اصلاح طلب" مرتجع در انتخابات را آزادی میگذارد. برادرزاده های لیبرال اینها در خارج کشور خواهان انتخابات آزاد با نظارت سازمان ملل میشوند.

بخشهای راست تری مانند نگهدار، در پی نزدیک شدن به یکی از دو جناح اصولگرایان اند. و بالاخره راست این جنبش، مانند ناسیونالیستهای پرو غرب و جریانات قومی، دوباره بسراغ سناپوری های غرب و امریکا برای تشکیل لویه جرگه افتاده اند. این بخش که غرب و در راس آن امریکا همیشه بعنوان اهرم فشار از آنها استفاده کرده، دوباره فیل شان یاد هندوستان کرده. این ها با برگزاری کنفرانسهای گوادلوپ و کنفرانس لندن، رسماً از سبز قطع امید کرده اند. و به جنبشی، جنبش سبز، که قرار بود سهم آنها را در دنیای سیاست ایران روشن کند، تا اطلاع ثانوی پشت

کردند. اپوزیسیون بورژوازی ناسیونالیستهای پرو غرب و جریانات قومی و ملی گرفته تا انواع جمهوریخواهان و لیبرالها تاریخاً و سنتاً حول کشمکش بخشهای اصلی تر بورژوازی در ایران صف بسته اند. در هر دوره بخشی از این اپوزیسیون به یکی از این جناح ها پیوستند. با رئیس جمهوری رفسنجانی بخشی از بورژوازی لیبرال، امثال ارسی و جمهوری خواهان با امید گشایش اقتصادی و سیاسی به صف هواداران رفسنجانی پیوستند. با عروج خاتمی و گفتگوی تمدن ها، بخشی دیگری از اپوزیسیون بورژوازی، مانند اکثریت و راه کارگر و طیفی از روشنفکران ناراضی، به بستر اصلی خود پیوستند و اصلاح طلب شدند. عروج سبز اما زمین لرزه سیاسی بود و فضای جامعه را به شدت پولاریزه کرد. عروج سبز باقیمانده اپوزیسیون بورژوازی که با نام چپ و کارگر هنوز محلی از اعراب داشتند، را به آغوش گرم موسوی و کروی پرتاب کرد. عروج سبز بیش از هر دوره ای دست دوستان دروغین مردم را رو کرد.

انتخابات مجلس نهم محملی برای شکل دادن به صفبندی جدید میان جناحهای درون جمهوری اسلامی شده است. این صفبندی جدید بنیال خود آرایش نیروهای اپوزیسیون بورژوازی را هم دستخوش تغییراتی کرده و میکند. آرایشی که کماکان حول نیروهای اصلی این صفبندی هرچه باشد، و بخصوص تجربه عروج و افول سبز نشان داد که امید بستن به این جدالها بیهوده است. جنگ بر سر کرسی های مجلس، جنگی واقعی میان نیروهای ارتجاعی است. برنده و بازنده این جنگ هرکه باشد، موقعیت طبقه کارگر و مردم متفرد و به جان آمده از جمهوری اسلامی، بهبودی پیدا نمیکند. بگذار جریانات بورژوازی در اپوزیسیون با شدت و حرارت هرچه تمام در این جنگ شرکت کنند. طبقه کارگر و کمونیستها از این فرصت برای قدرتمند تر کردن خود برای مبارزه علیه کل این ارتجاع متعفن استفاده میکنند. جدال بالائی ها که ربطی به مردم ندارد.

تجمع اعتراضی علیه یورش رژیم هار اسلامی به مناطق مرزی کردستان عراق

جمهوری اسلامی بعد از به توپ بستن مناطق مسکونی مرزی کردستان عراق و وارد کردن خسارات فراوان و آواره کردن ساکنین این مناطق، سرانجام به بهانه تعقیب واحدهای نظامی پژاک، نیروی زمینی سپاه پاسداران خود را به این مناطق گسیل داشته، جنگ و شرایط جنگی را بر مردم مناطق مرزی تحمیل کرده است.

تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیست در حمایت از فراخوان تجمع اعتراضی "چتر آزادی" در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن، همه انسانهای آزادیخواه را فرا میخواند که در اعتراض به توحش افسارگسیخته جمهوری اسلامی و میلیتاریزه کردن و تحمیل جنگ ویرانگر به مناطق مرزی کردستان عراق، در تظاهرات روز جمعه ۲۲ ژوئیه شرکت کنید

مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن

روز جمعه ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۱ ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر

حزب حکمتیست و مبارزات جاری طبقه کارگر

شورا، سندیکا، اتحادیه، انجمن، کانون و ...، که بوسیله خود کارگران و برای پیشبرد مطالبات آنها در مقابل دولت و کارفرما انجام میگیرد. ما از هر سنگربندی طبقه کارگر حمایت میکنیم و برای تقویت آن تلاش میکنیم. حمایت قاطع از رهبران و فعالین کارگری را امر مستقیم خود میدانیم. هر تعرض کارفرما و دولت به این بخش از کارگران را باید قاطعانه محکوم کرد، و آن را با به حرکت در آوردن توده هر چه بیشتری از کارگران در مراکز کار و زندگی کارگران پاسخ داد.

۴- کارگران کمونیست و سوسیالیست نقش مهمی در سازمان دادن مبارزه قاطع علیه تعرضات بورژوازی و جمهوری اسلامی به فعالین و تشکلهای طبقه کارگر و دیگر عرصه های اجتماعی مبارزه، اعتراض علیه تعرض دستگاه های امنیتی به رهبران عملی اعتراضات کارگری، مبارزه برای آزادی کارگران زندانی، و حمایت از خانواده های کارگران زندانی دارند. حزب حکمتیست به عنوان بخشی از این تلاش، تامین این مهم را یکی از وظایف مهم خود میداند.

۵- گسترش مبارزه برای انحلال شوراها و کوتاه کردن دست خانه کارگر از دخالت در اعتراضات کارگری. مقابله با هرگونه ادعای این نهادهای دولتی در نمایندگی کردن کارگران، در جامعه و در مجامع بین المللی.

۶- ایجاد وسیعترین اتحاد و همبستگی در مبارزات جاری طبقه کارگر، حول مطالبات حداقل و فوری چون افزایش دستمزدها به نسبت تورم، پرداخت دستمزدهای معوقه، حق اعتصاب، آزادی ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت، لغو قرارداد های موقت و سفید امضا و لغو قراردادهای شرکت های پیمانی، تعطیلی اول ماه مه، بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار زن و مرد بالای ۱۶ سال مستقل از ملیت و مذهب و خارجی و بومی، حقوق برابر زن و مرد در محیط کار، لغو تبعیضات و تضییقات سیاسی، فرهنگی و مذهبی علیه زنان در محیط کار، حمایت از "کارگران خارجی" و خانواده های آنها.

۷- وجود میلیونها زن و مرد بیکار که از بیمه بیکاری مکفی برخوردار نیستند، طبقه کارگر را بیش از پیش دچار پراکندگی و تفرقه کرده است. مبارزه با بیکاری و اخراج یک جدال دائمی کارگران است. مبارزه برای داشتن قرارداد ثابت، عرصه مهمی از مبارزه کارگران است. قراردادهای موقت و پیمانی، ابعاد و خطر بیکاری را به مراتب افزایش داده است. مقابله با این معضلات، اساسا وظیفه کارگران شاغل است. وظیفه کمونیستها، راه اندازی و سازماندهی جنبش اتحاد کارگری علیه بیکاری در میان طبقه کارگر است.

۸- جنبش کارگری تاریحا شاهد وجود گرایشهای مختلف، و از جمله گرایش سوسیالیستی و گرایش بورژوا- رفرمیستی در صفوف خود بوده است. خودآگاهی طبقه کارگر نسبت به وجود گرایشهای مختلف در میان خود، یکی از ملزومات پیشروی طبقه کارگر است.

الف- کارگران سوسیالیست، یک گرایش موجود و وسیع در جنبش کارگری را نمایندگی میکنند. گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری، میتواند و باید منشا اتحاد و تشکل طبقه کارگر باشد. وجود افق های متفاوت جنبشهای بورژوایی چپ و راست، کمونیسم بورژوایی و سنتها و روشهای فعالیت تا کنونی آنها، در جنبش کارگری، همواره مانع اتحاد بخش پیشرو و سوسیالیست کارگران است. شرط اتحاد مبارزاتی و حزبی این کارگران، رهایی از سنت ها، روش ها، و فعالیت های این جنبش های بورژوایی و غیرکارگری و سازمانهای مختلف آن است. افشای گرایشهای بورژوایی در مبارزات طبقه کارگر و تغییر توازن قوای کنونی، در گرو تشکل و خودآگاهی گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر است. این گرایش باید بر پراکندگی و تشتت خود فائق آید و لولای اتحاد و تشکل مبارزات کارگری شود.

اتحاد کارگران کمونیست، حول یک افق روشن و یک پرچم سیاسی - کمونیستی، پیش شرط هرگونه تاثیر گذاری آنها در متحد کردن صفوف طبقه کارگر است. کارگران کمونیست، رهبران عملی و سازماندهندگان کمونیست طبقه کارگر، بطور عاجلی نیازمند اتحاد مستحکم و تشکل کمونیستی خود هستند. اتحاد این صف، قدم اول در تحزب کمونیستی طبقه کارگر و حلقه اصلی در فائق آمدن و تاثیر گذاشتن بر اتحاد کل طبقه کارگر در مبارزه سیاسی و اقتصادی این طبقه است.

ب- احزاب بورژوایی و سنتهای سیاسی مختلف، نمایندگان خود را در جنبش اعتراضی طبقه کارگر دارند. شاخه های مختلف کمونیسم بورژوایی در ایران، که خود بخشی از جنبش های سازمانیافته بورژوایی هستند، از این جمله اند. این گرایش در تلاش است تا نیروی مبارزه طبقه کارگر را برای تقویت آلترناتیو های بورژوا- حکومتی در داخل و یا خارج از حاکمیت، بسیج کنند. افشای این گرایش قدم مهمی در کسب آگاهی طبقاتی کارگران است. طبقه کارگر باید صف آگاه خود را در تمایز با این جنبش ها شکل دهد.

پ- کشمکش بخش های مختلف بورژوازی ایران، که در دل تخصصات جناحهای جمهوری اسلامی بروز میکند، اعم از جنبش سبز و سیاه، "اصول گرایان" و "اصلاح طلبان، و شاخه های مختلف آنها، جنبش و جدالی بر سر گرفتن سهم بیشتری از قدرت اقتصادی و سیاسی، و وسیله ای برای حفظ حاکمیت جمهوری اسلامی است. این جدال و کشمکش نه تنها ربطی به منفعت طبقه کارگر ندارد، بالعکس در راستای حفظ تحکیم موقعیت بورژوازی است. این جنبش و جدال، با همه جریانهای راست و چپ حامی آن، در منفعت کل طبقه بورژوا در سرکوب و استثمار طبقه کارگر، سهیم است و باید بعنوان جنبشی ضد کارگری در کنار جناح دیگر حاکمیت افشا و طرد شود. جدال دو ساله اخیر جناحهای سبز و سیاه بورژوازی به وضوح ماهیت ضد کارگری طرفین را برملا کرد. افشای پیگیر و تلاش برای منزوی کردن بیش از پیش این جناحهای ضد کارگری، از وظایف کارگران کمونیست است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کمک به اتحاد و تشکل، همچنین غلبه بر تفرقه و پراکندگی در صفوف گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر و کمک به اتحاد کارگران کمونیست را از مهمترین وظایف خود میداند. حزب ما، با نقد گرایشهای بورژوا- رفرمیستی در طبقه کارگر، با نقد آلترناتیوهای بورژوایی و نشان دادن راه پیشروی جنبش کارگری در هر تک مبارزه جاری اقتصادی و سیاسی، تلاش میکند این گرایش را به نقد سوسیالیستی مسلح کرده و به تشکل یابی آن کمک کند.

تیر ماه ۱۳۹۰ - ژوئیه ۲۰۱۱

مرگ بر جمهوری اسلامی!

جدالها رو در رو میشود

داری است. در قانون کار هم باید زانده های دست و پاگیری چون خانه کارگر و شوراهای اسلامی به نفع رابطه مستقیم بین کارفرما و کارگر از بین برود. ماهیت کشمکش میان خانه کارگر و شوراهای اسلامی با دولت در مورد اصلاح قانون کار در اساس به این مربوط است.

مساله قراردادهای و همچنین دیگر اختیارات این نهاد و پایان دادن به نمایندگی شدن جمهوری اسلامی در نهادهای بین المللی مربوط به کار و بازار کار از طرف شوراهای اسلامی و خانه کارگر، بحث بر سر زدن مرخصی ها و مزایای کار و تعیین حداقل دستمزد بر طبق شاخص های بانک مرکزی و ... مسایل مهم در مناقشه بر سر تغییر و اصلاح قانون کار جمهوری اسلامی است. بسیار واضح است که همه این تغییرات تعرضی اشکار به وضعیت کنونی طبقه کارگر و در راستای تامین و ایجاد بهترین شرایط برای کسب سود سرمایه است.

سابقه کشمکش ها

یکی از مسائلی که مخالفت جدی خانه کارگر و شوراهای اسلامی را برانگیخته بی نقش شدن این دو نهاد در تعیین رابطه کارگر و کارفرما در همه سطوح است. خانه کارگر و شوراهای اسلامی هیچگاه سازمان کارگران نبوده اند. اینها همواره تشکیلات و نماینده جمهوری اسلامی و کارفرما در مقابل کارگران و فعالیت های آنها و مبارزه و اعتراضشان بوده است. خانه کارگر و شوراهای اسلامی همیشه ابزار دست دولت و سرمایه داران در مقابل اعتراض و مبارزه کارگران بوده اند.

انتخاب کارگران کدامیک است؟

اما برای کارگران یک انتخاب ضروری تر از همیشه شده است. کل بورژوازی در این جدال هم مانند جدالهای سیاسی در جامعه، تلاش میکند کارگران را از هر طرف به سیاهی لشکر خود تبدیل کند. انتخابی که در مقابل طبقه کارگر قرار میدهند با خانه کارگر و شوراهای اسلامی و در نهایت جناحی از حاکمیت در جمهوری اسلامی، یا دولت و بخش خصوصی و راه حل هایش برای بردگی بیشتر کارگران است. جدال های چند سال گذشته بین این جناح ها (و حتی در دوره خاتمی و اختلافات آن زمان وزارت کار و خانه کارگر) و جدالهای کنونی هم ظاهرا مانع قانونی شدن و اجرای این طرح شده است. کشمکش میان جناحهای جمهوری اسلامی بسیار واقعی است و میتواند تا خونین شدن هم پیش برود. اما آنچه بسیار روشن است بیربطی این جدال ها به منافع طبقه کارگر است. این جدالی بر سر تحکیم موقعیت سیاسی اقتصادی بورژوازی است. کارگران آگاه و تشکیلاتهایشان به درست در دوران خرداد ۸۸ و جنبش سبز اعلام کردند که هر دو این جناح های درگیر قدرت، در طول ۳۰ سال گذشته به منافع طبقه کارگر ربطی

نشانده اند. اکنون هم ظاهرا در این جدال ها و کشمکش ها بر سر قانون کار و اصلاح آن طبقه کارگر در مقابل یک انتخاب قرار گرفته است. انتخاب بین قانون کار فعلی و قانون اصلاح شده! سوال طبقه کارگر این است که در قانون کار فعلی و بویژه شرایط کنونی در رابطه بین کارگر و سرمایه دار چه چیزی عملی نشده و دست کارفرما در چه زمینه هایی در مسائل فوق بسته بوده است؟ انتخاب بین قانون کار فعلی و با اصلاح آن انتخاب طبقه کارگر نیست. انتخاب شوراهای اسلامی و خانه کارگر در چنین وضعیتی انتخاب طبقه کارگر نیست. بخشی از کارگران ایران با مبارزه سرسختانه خود این تشکیلات های ضد کارگری را منحل کرده اند و هر جا ملزومات این کار را فراهم کنند جوار کردن اینها را ادامه میدهند و خودشان با اتکا به تشکیلات مستقل و واقعی خود طرف حساب سرمایه داران و تشکیلاتهایشان میشوند. ظاهرا این چنین روندی در رابطه با شوراهای اسلامی برای دولت و بخشی از بورژوازی در ایران هم الزامی شده است.

از سال ۸۴ و با سر کار آمدن دولت احمدی نژاد تا هم اکنون ضرورت تغییر قانون کار به نفع قدرتمند کردن هر چه بیشتر سرمایه داران و کت بسته کردن بیشتر کارگران مطرح بوده است. این حلقه ای از شیفت به گسترش سرمایه خصوصی و بازار آزاد در مقابل پس مانده های اقتصاد و انحصار دولتی بر بازار است. این تعرض تا هم اکنون، سال ۹۰، که سال جهاد اقتصادی اعلام شده است و با حذف یارانه ها "هدفمند" شده، ادامه داشته است. بطور واقعی آنچه که امروز

میخواهند به عنوان "اصلاح قانون کار" عملی کنند بدرجه نسبتا زیادی جلو رفته و حلقه های پایانی خود را طی میکند. این تعرض مادام که با سد محکم طبقه کارگر روبرو نشود توسط هر دولت و مجلسی مستقل از اینکه به کدام جناح حکومتی مربوط است دیر و یا زود در پی همین پروسه عملی و قانونی میشود.

نکات مورد مناقشه

نکاتی که دولت و سرمایه داران به صراحت دنبال میکنند و قانون کار را میخوانند برای آنها تغییر دهند به حساسترین مسایل فیمابین کارگر و سرمایه دار مربوط است. قرارداد کار و اختیارات هر دو در این مورد، فسخ قرارداد و در اولویت قرار گرفتن منفعت کارفرما در پایان دادن به فسخ قرارداد بین کارگر و کارفرما، مساله دار و بازار داشته است. مساله تلاش برای منطبق کردن بیشتر حاکمیت و تشکل های کارگری و کارفرمایی و دولت با نیازهای بازار آزاد و سرمایه

کوتاه کردن دست شوراهای اسلامی در

بورژوازی ایران میدانند که دولت و ابزارهای حاکمیت از آن این طبقه است و میخوانند زانده های دست و پاگیر این حاکمیت را کنار بزنند. درگیریهایی فعلی جناحهای مختلف حکومت بر سر "اصلاح قانون کار" شباهت زیادی به نقش دولت احمدی نژاد در مورد حذف یارانه ها و نقش آن برای طبقه سرمایه دار و بازار داشته است. مساله تلاش برای منطبق کردن بیشتر حاکمیت و تشکل های کارگری و کارفرمایی و دولت با نیازهای بازار آزاد و سرمایه

کوتاه کردن دست شوراهای اسلامی در

نشریه حزب گمنیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com



گمنیست را بخوانید

گمنیست را بدست کارگران برسانید

گمنیست را تکثیر و توزیع کنید

به گمنیست کمک مالی کنید

انقلاب ۵۷ ایران

یک بررسی تحلیلی

یکشنبه ۱۴ اوت ۲۰۱۱

ساعت ۱ بعد از ظهر

سمینار کورش مدرسی

لطفا از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال خودداری کنید

ورودی: ۵ پوند

برای اطلاعات بیشتر با نسرین جلالی مدیر انجمن مارکس - حکمت تماس بگیرید

marx.hekmat@gmail.com

زنده باد سوسیالیسم